

قرن بیستم: قرن خودآگاهی مسلمانان

معرفی کتاب ژئوپولیتیک شیعه^۱

○ نجف لک زایی

تشیع هرچند از نظر جغرافیایی در منطقه‌ای پراکنده اما خیلی محدود قرار گرفته است، و مبارزه‌ای را دنبال می‌کند که ادعای جهانی دارد.

فرانسوا توال

مقدمه

تأثیرگذار است. برای مثال، از نظر نویسنده، شیعیان مستقر در کرانه‌های خلیج فارس از بُرد ژئوپولیتیکی جهانی برخوردارند، چون هفتاد درصد ذخایر نفت جهان، که برای ادامهٔ حیات و رشد اقتصاد جهان حیاتی است، در این منطقه واقع شده است و هرگونه تحول و ناآرامی سیاسی می‌تواند پیامدهای اقتصادی و سیاسی جهانی گسترده‌ای به همراه داشته باشد. (ص ۷)

نویسنده، پراکندگی جغرافیایی شیعیان و محل استقرار آنها و نیز نوع عقایدشان را از این منظر موردتوجه قرار داده است که چه میزان ممکن است برای جهان سرمایه‌داری غرب خطرناک باشند و در این زمینه سعی کرده است تا هشدارهای لازم را، در جهت پیشگیری از خطرهای احتمالی، به دولت‌های غربی بدهد.

نویسنده جوامع شیعی را براساس میزان خطری که برای جهان غرب ایجاد کرده‌اند به سه دسته تقسیم کرده است: آنهایی که تأثیر جهانی ندارند همچون شیعیان اسماعیلی؛ آنهایی که تأثیراتشان محدود است همچون شیعیان عراق و پاکستان؛ و آنهایی که تأثیرات جهانی وسیعی دارند همچون شیعیان ایران و خلیج فارس و لبنان.

جغرافیای سیاسی^۱ و ژئوپولیتیک^۲ دو گرایش از یک موضوع اند که به تعاملات میان قدرت سیاسی و محیط جغرافیایی می‌پردازند. پیوند سیاست و جغرافیا در درون مرزهای یک کشور موضوع جغرافیای سیاسی است در حالی که ژئوپولیتیک نگاهی فراملتی و جهانی دارد. ژئوپولیتیک عبارت است از مطالعهٔ روابط قدرت‌ها در سطح جهان، براساس امکاناتی که محیط جغرافیایی در اختیار می‌گذارد یا امکاناتی که می‌توان از محیط جغرافیایی گرفت.^۳ مفاهیمی از قبیل کشور، حکومت، مرز و بوم، شهر و روستا، ملت، هویت و ناسیونالیسم از مفاهیم محوری و مطرح در جغرافیای سیاسی هستند. ژئوپولیتیک، نظام جهانی، نظام نوین جهانی، گروه‌بندی منطقه‌ای، همگرایی منطقه‌ای، نقاط استراتژیک و مناطق استراتژیک از محورها و موضوعات سیاست جغرافیایی هستند.^۴

در کتاب حاضر «مذهب شیعه» به عنوان موضوعی ژئوپولیتیکی در نظر گرفته شده است با این استدلال که نقطه ثقل جغرافیایی شیعیان مناطقی است که بر روابط قدرت در سطح جهان



«صلح در خاورمیانه» معلول کنترل نیروی شیعه است و نیز تسلط بر خاورمیانه معلول تسلط بر شیعیان است. باتوجه به آنچه آمد در ادامه دو بحث را دنبال خواهیم کرد، ابتدا مروری بر محتوای کتاب و سپس ارائه برخی ملاحظات.

مضامین اصلی

کتاب از دو قسمت تشکیل شده است: قسمت اول درصدد نشان دادن ویژگی‌های شیعیان ایران است. نویسنده بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی و جایگاه شیعیان و مسلمانان در این سیاست بسیار تأمل کرده است. در بخش دوم به وضع شیعیان غیرایرانی، از جمله شیعیان عرب زبان، پرداخته شده است. یافته‌های نویسنده در هر دو قسمت به اختصار ارائه می‌شود:

۱. از دید ژئوپولیتیکی، درک پدیده شیعه شامل بازشناسی دو ویژگی است: شکل‌گیری تشیع که پس از رحلت پیامبر اسلام (ص) به عنوان اعتراض سیاسی نسبت به جانشین پیامبر ظاهر شد؛ و تعدد و تقسیم‌بندی‌های فرق شیعه که معلول اختلاف نظرهای تفسیری در مورد آخرین امام برحق است. تشیع زیدی،

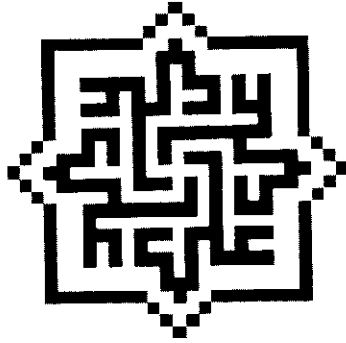
از نظر نویسنده، خطر شیعه به این دلیل قابل توجه است که شیعیان در انتظار بازگشت امام غایب خویش‌اند؛ برای برقراری عدالت بر روی زمین مبارزه می‌کنند؛ و ادعای حکومت جهانی دارند، که جهان سرمایه‌داری غرب نیز به دنبال آن است. برای روشن شدن انگیزه و هدف مؤلف از تدوین و تألیف این اثر، جملاتی از آن را نقل می‌کنیم:

«به طور کلی، برنامه این مذهب در جلوه ظاهری‌اش این‌گونه است. زندگی در انتظار بازگشت امام، همراه با مبارزه برای عدالت بر روی زمین. هرکس درخواهد یافت که تشیع، با چنین طرح و نقشه اعتقادی و ایدئولوژیکی می‌تواند به صورت اهرم نیرومندی در جهت برهم زدن ثبات جهان ظاهر شود. تشیع هرچند از نظر جغرافیایی در یک منطقه پراکنده اما خیلی محدود قرار گرفته، مبارزه‌ای را دنبال می‌کند که ادعای جهانی دارد. رسالت شیعه تا حدودی قابل مقایسه با رسالت و پیام کمونیسم است. اقلیت شیعه برای رهایی جهان مبارزه می‌کند، همان‌طور که در تفکر مارکسیست، طبقه کارگر برای آزادی کل بشریت مبارزه می‌کرد» (ص ۱۴ - ۱۵).

نویسنده با تمام وجود سعی دارد به «مسئولان سیاسی»، «ناظران» و «خبرگان» غربی خطر «شیعه» را گوشزد کند و آنها را به چاره‌جویی دعوت کند؛ تشبیه خطر شیعه به کمونیسم در جهت جا انداختن این خطر است. وی در ادامه می‌نویسد:

«نه تنها بر ناظرین و خبرگان، بلکه بر مسئولان سیاسی است که این واقعیت را به خوبی درک کنند. صلح در خاورمیانه و حتی در جهان، به طور اساسی، به اداره این نیروی جدید بین‌المللی، یعنی جوامع شیعی بستگی دارد. اخبار روز نشان می‌دهد که شیعه، علی‌رغم خشونت‌ها، شکنجه‌ها یا جنگ‌ها، ضعیف و مضمحل نشده است» (ص ۱۵).

بنابراین تلاش نویسنده در این جهت است که با آگاهی‌بخشی به مسئولان سیاسی آنها را در جهت کنترل شیعه مدد دهد. عبارت



تشیع اسماعیلی و تشیع دوازده امامی
فرقه‌های اصلی شیعه‌اند.

ویژگی عمده تاریخ اسلام، در زمینه
ژئوپولیتیک، از هزار سال پیش به این طرف،
سرکوب شیعه به وسیله اهل سنت است، بجز

یک استثنا و یک دوره فترت و آن هم فتح ایران توسط مذهب
تشیع در عصر جدید است. از طرف دیگر شیعیان دوازده امامی به دو
گروه تقسیم می‌شوند: آنان که دارای روحانیتی سازمان یافته و
شکل گرفته‌اند و گروهی که روحانیت در میان آنان نقش چندانی
ندارد.

۲. آیا قبل از سال ۱۹۷۹ میلادی (۱۳۵۷ ش)، یعنی قبل از
پیروزی انقلاب اسلامی، شیعه با قدرت حاکم در ایران مخالف بود؟
پرسش حاضر پرسشی است که در فصل سوم به آن پاسخ داده شده
است. در این فصل نقش صفویان و علما در گسترش تشیع در ایران
به بحث گذاشته شده است. نویسنده معتقد است که روحانیت از
عصر قاجاریه به جز امور مذهبی به امور سیاسی نیز وارد شدند و با
دخالت‌هایی که در جهت حفظ استقلال ایران در مقابل بیگانگان
داشتند، مخصوصاً مخالفت با امتیازاتی که به بیگانگان داده شد، از
قبیل امتیاز رویتر و تنباکو، محبوبیت بیشتری کسب کردند. حضور
علما در نهضت مشروطه و نهضت ملی نفت و سایر قیام‌ها روز به
روز جنبه سیاسی آنها را قوت بخشید و آنها را بیش از پیش در
مقابل سلطنت قرار داد.

۳. سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران سیاستی دو سویه
است: از یک سو هدفش تأمین امنیت داخلی و حفظ ثبات مرزها
است. مرزهایی که از اقلیت‌های غیر شیعی با گرایش‌های کم و بیش
جدایی طلبانه می‌تواند مناطق نفوذ احتمالی برای دشمنان بالقوه
باشد. از سوی دیگر به دنبال رهبری جهان اسلام است. چالش
موجود بر سر راه دیپلماسی ایران جمع میان تشیع و تسنن است.
چنان‌که میان منافع ایران و تشیع نیز می‌تواند چالش برقرار شود.

۴. ۷۵ درصد از مردم آذربایجان را شیعیان تشکیل می‌دهند.
آذربایجان در سال ۱۸۲۸ م. با عهدنامه ترکمانچای از ایران منفک
و به روسیه ملحق شد. کشف نفت در آغاز قرن بیستم چهره جامعه
را تغییر داد. سرانجام در ۱۹۹۰ م. آذربایجان به یک کشور مستقل
تبدیل شد. اکنون پرسش این است که آینده آذربایجان، با اکثریت

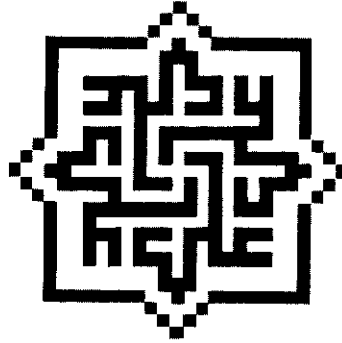
شیعه، چیست؟ گرایش‌های تشیعی آذربایجان
آن قدر است که طرفدار کامل ترکیه نشود، اما
به آن اندازه نیست که کاملاً طرفدار ایران باشد؛
با این همه عناصر شیعی را در آنجا به اندازه‌ای
است که به صورت کشور اقماری روسیه جدید

درنیاید.

۵. در افغانستان با قومیت‌های مختلف، سلطه قبایل پشتون به
ضرر هزاره‌های شیعه اعمال شده است. وحدت مبارزه نظامی و
بیداری مذهبی به ایجاد آگاهی سیاسی در هزاره‌ها منجر خواهد شد
و این آگاهی عنصر اصلی تغییر و تحول در بینش نژادی و ملی این
مردم خواهد بود. نزدیکی ایران با شیعیان هزاره باعث شد تا آمریکا
از طریق پاکستان متحدان جدیدی انتخاب کند؛ این متحدان
دانشجویان بنیادگرای پشتون یعنی طالبان بودند. به این ترتیب بار
دیگر اختلاف میان شیعیان و سنی‌ها شعله‌ور شد.

۶. تقریباً یک چهارم از جمعیت ترکیه شیعه هستند. این
شیعیان که علویان نامیده می‌شوند، پیش از این قزلباش نام
داشتند. این شیعیان متفاوت از شیعیان ایرانی و به عبارت دیگر
سازمان نیافته و به شکل اخروی باقی مانده‌اند. همچنین باتوجه به
این‌که در طول حکومت عثمانیان مورد طرد و تحقیر بودند، از
حامیان جدی مصطفی کمال شدند. علاوه بر علویان، شیعیان
دیگری در ترکیه حضور دارند که یکتاشی نامیده می‌شوند. امروزه با
به قدرت رسیدن احزاب اسلامگرا در ترکیه علویان احساس می‌کنند
که به عنوان شیعه، با تهدید بنیادگرایان سنی روبه‌رو هستند. تشیع
ترکیه هم نسبت به سنی‌ها و هم نسبت به تشیع دوازده امامی
حاشیه‌ای است. اگر به قدرت رسیدن پدیده علوی نتیجه مستقیمی
روی ژئوپولیتیک خارجی نداشته باشد - زیرا هیچ گونه ارتباطی میان
جامعه علوی و انقلاب اسلامی ایران وجود ندارد - دلیل نمی‌شود که
نسبت به آن مسامحه به خرج دهیم. مذهب علوی یکی از
کلیده‌های آینده ترکیه است. (چنین به نظر می‌رسد که نویسنده
آنقدر خطر شیعه را زیاد می‌داند که شیعیان لاتیگ را نیز برای منافع
غرب خطرناک می‌داند).

۷. تأثیر ایران بر سلسله مغولی حاکم بر هندوستان، خود را با
نوعی گسترش تشیع دوازده امامی نشان داد. در کنار این شیعیان
دوازده امامی یک نوع شیعه دیگر نیز در هند وجود دارند: شیعیان



است و این اکثریت در اقلیت سیاسی نگه داشته شده‌اند، اما شیعیان عراق در آینده این کشور نقش اساسی دارند.

۱۰. خلیج فارس شیعی: اگر از مجموع جمعیت خلیج فارس آمار گرفته شود، بیش از هفتاد درصد آنها به مذهب شیعه تعلق دارند. حضور این جمعیت‌های شیعی، که از نظر سیاسی در اقلیت نگه داشته شده‌اند، در کرانهٔ عربی خلیج [فارس] برای تمام کشورهای همجوار دو مسئله ژئوپولیتیکی داخلی و خارجی را می‌آفریند.

هفتاد درصد کارکنان شاغل در میدان‌های نفتی عربستان، یک چهارم شهروندان کویت، بیست درصد از جمعیت قطر و شصت و پنج درصد مردم بحرین شیعه‌اند و در عین حال از قدرت دور نگاه داشته شده‌اند. نویسنده سعی کرده است تا برای چندمین بار توجه قدرت‌های بزرگ را به «خطر شیعه» جلب کند:

«از این زمان به بعد، قدرت‌های بزرگ، کشورهای مصرف‌کننده و شرکت‌های بزرگ نفتی باید به پدیدهٔ شیعه با تمام ابعاد و اشکالش توجه کنند. همچنین کشورهای درگیر، دیگر نخواهند توانست در درازمدت به سیاست سرکوب اقلیت مظنون ادامه دهند. آیندهٔ تهران هر چه باشد، این اقلیت‌های شیعی چنان نیزه‌هایی هستند که در کالبد فسیل عظیم الجثهٔ نفت قرار گرفته‌اند» (ص ۱۰۳)

۱۱. یمن شیعی: یمن پایگاه تشیع زیدی است. این کشور تا سال ۱۹۶۲م تحت حاکمیت زیدیه بود. تحولات مختلف باعث شد تا زیدی‌ها از صحنهٔ سیاست یمن منزوی شوند اما آیندهٔ یمن با مسئلهٔ شیعهٔ زیدی گره خورده است.

۱۲. علویان سوریه: علویان سوریه که قرن‌ها از سوی عثمانی‌ها تحقیر شده بودند اکنون حکومت این کشور را در اختیار دارند. اما با وجود اختیار داشتن حزب بعث، ارتش و قدرت، مذهب خود را مذهب رسمی کشور اعلام نکردند. آیندهٔ خاور نزدیک تا حدودی به تحول روابط میان علویان و بقیهٔ جامعه سوریه بستگی دارد.

۱۳. شیعیان لبنان: تجدید حیات تشیع لبنانی از سال ۱۹۶۰ میلادی با ورود امام موسی صدر به لبنان آغاز شد. بازگشت به تشیع در لبنان، به معنای تحکیم مناسبات میان شیعیان لبنانی و

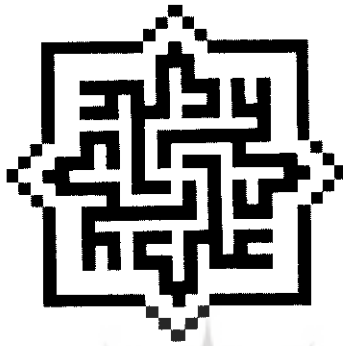
اسماعیلی که خود به دو گروه تقسیم می‌شوند: مستعلی‌ها که از خاندان خلافت فاطمی هستند و «بهره» نامیده می‌شوند و حاکمیت آقاخان را به رسمیت نمی‌شناسند و گروه نزاری‌ها که رهبری آنها را آقاخان برعهده دارد.

شیعیان هند، که جمعیتی حدود بیست و پنج میلیون نفرند، و شیعیان پاکستان، که جمعیت آنان حدود سی و پنج میلیون نفر برآورد شده است، از دو سو در فشارند: هندوهای افراطی و سنی‌مذهبان افراطی.

۸. حضور تشیع در آسیای مرکزی پدیده‌ای ژئوپولیتیک نیست. این حضور کم رنگ و کوچک، و در عین حال، درخور توجه است.

۹. پارادوکس عراق: هرچند عراق مهد تشیع و اماکن مقدس شیعی به شمار می‌آید و اکثریت جمعیت آن (هفتاد درصد) شیعه‌اند، اما از نظر سیاسی تشیع همیشه در اقلیت سیاسی قرار داشته است. این تناقض از کجا ناشی می‌شود؟

برای درک این پدیده باید به چگونگی شکل‌گیری عراق پس از جنگ جهانی اول توجه کنیم. شکل‌گیری سرزمین کنونی عراق محصول اقدامات انگلستان است. لندن، با تصویب موافقتنامهٔ سایکس - پیکو توانست با سه ولایت بصره، بغداد و موصل کشوری را بنا کند و در رأس آن سلسلهٔ هاشمی را قرار دهد، این سلسله را که ابتدا سعودی‌ها از حجاز رانده بودند و بعدها نیز فرانسویان از سوریه طرد کرده بود. این کشور جدید به امپراتوری بریتانیا امکان می‌داد که میان خلیج فارس، امارات (که خود بریتانیا آن را اداره می‌کرد)، دریای سرخ، دریای مدیترانه و مصر ارتباط برقرار سازد. عراق جادهٔ زمینی هندی‌ها را تکمیل می‌کرد و این جاده مکمل راه دریایی محسوب می‌شد. «اتحاد مثلث سنی - هاشمی - انگلیسی تا زمان استقلال این کشور در سال ۱۹۳۰م ادامه یافت.» با شروع جنگ سرد، تحولات دیگری در این کشور به وقوع پیوست. در سال‌های پایانی دههٔ پنجاه میلادی، برخی محافل شیعی به فکر ایجاد یک حزب سیاسی افتادند. این حزب نام «دعوهٔ الاسلامیه» به خود گرفت. عربستان سعودی و کشورهای دیگر از ترس انقلاب شیعی در عراق، در جنگ عراق با ایران به عراق کمک برساندند. به هر تقدیر، به رغم این که تاکنون قیام‌های شیعی سرکوب شده



ایرانی بود. به‌رغم این که شیعیان لبنان دارای اکثریت اند، جایگاه سیاسی شایسته‌ای ندارند. ۱۴. با توجه به آنچه آمد به این نتیجه می‌رسیم که اکثر شیعیان در کانون و مراکز حساس ژئوپولیتیکی ساکن اند و از این رو

پیدایش خود دائماً متحول و متناسب با زمان و مکان حرکت کرده است. اما این تحول موجب نخواهد شد که هویت خود را از دست بدهد.^۳ ملاحظات کتاب حاضر از دو جهت شایسته توجه است:

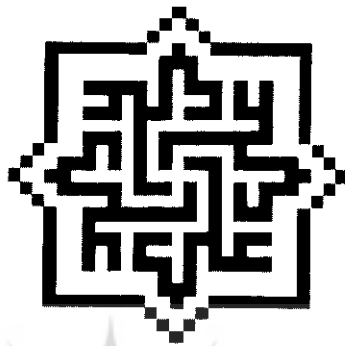
از منظر علمی و سیاسی.

به لحاظ علمی کاری که انجام شده است در نوع خود قابل توجه و شاید بتوان گفت کم‌نظیر است. تا آنجا که نگارنده می‌داند، اثر حاضر از منظر ژئوپولیتیکی، اولین نگاه روشمند به وضع پراکندگی شیعه در جهان، است. کتاب برای مخالفان شیعیان نگاشته شده تا آنها را از خطر شیعه آگاه کنند و حتی بزرگ‌نمایی‌هایی نیز در این باره صورت گرفته است، اما مطالعه آن برای شیعیان نیز مفید است. کتاب حاضر نقاط قوت و ضعف شیعیان را به آنها یادآوری می‌کند. مهم‌ترین نقاط قوت شیعیان عبارت است از عقاید و افکار عدالت خواهانه، رهایی‌بخش، امید به آینده و ترسیم فرجام روشن برای آینده جهان و تاریخ و نیز داشتن امکانات مادی و حضور در نقاط و مناطق حساس و پراهمیت برای جهان. نقاط ضعف شیعیان و بلکه جهان اسلام عبارت است از عدم اتحاد و اختلافات درونی که به کاهش تأثیرات ژئوپولیتیکی آنها انجامیده است. همچنین اختلاف و کشمکش با اهل سنت، در برخی از دوره‌های تاریخی باعث ضعف مسلمانان و در نتیجه ضعف شیعیان شده است.

بنابراین شیعیان باید در جهت کاهش شکاف میان خود و نیز میان شیعیان و اهل سنت گام بردارند. خوشبختانه پس از پیروزی انقلاب اسلامی گام‌های مهمی در این جهت برداشته شده است که لازم است تقویت شود. همچنین سازمان کنفرانس اسلامی، دارالتقرب و مجمع جهانی اهل بیت می‌توانند در جهت کاهش شکاف میان کشورهای اسلامی، مذاهب اسلامی و شیعیان تلاش‌های موثرتری انجام دهند.

در واقع قدرت شیعیان و جهان اسلام تابع متغیرهای فراوانی است از جمله: میزان سازمان یافتگی و انسجام سیاسی و اجتماعی و دینی، رهبری دینی و سیاسی، میزان آگاهی‌های سیاسی،

قدرت دارند که جهان را با چالش روبه‌رو کنند. تشیع با امیدهایی که ایجاد می‌کند و با انتظار جمعی برای اعاده حقیقت قرآنی و عمل به آن، مذهبی است که در امور سیاسی همچون مدیریت، سازمان دهی و تحول جامعه دارای برنامه است. آنچه قدرت تشیع را به چالش می‌کشد، وجود شکاف میان تشیع و تسنن و میان خود شیعیان است که اتحاد شیعی یا به عبارت دیگر بین‌الملل تشیع را با مشکل روبه‌رو ساخته است. نویسنده اظهار نظر کرده که «باید با قاطعیت اذعان کرد که تعارضات ملی و مذهبی میان شاخه‌های تشیع، این مذهب را سریعاً محکوم به ناتوانی خواهد کرد.» (ص ۱۴۱) و به این ترتیب رهنمود داده است. در عین حال در دو صفحه بعد نگرانی خود را از تشیع موجود ابراز کرده است: «انفجار تشیع تنها به مواضع ژئوپولیتیکش در خاورمیانه بر نمی‌گردد، بلکه در محتوا و پیام سیاسی آن نهفته است» (ص ۱۴۳). اراده شیعی توانایی آن را دارد که به قدرتی انفجارآمیز و سهمگین تبدیل شود. بویژه که شیعیان دستاوردهای تکنولوژیکی مدرنیته را طرد نمی‌کنند. «اگر امروز مسئله مدرنیته را از شیعیان سؤال کنید، جواب آنها ساده خواهد بود. از دید آنها، هیچ چیز در مدرنیته و تکنولوژی مخالف حقایق شیعه نیست، بلکه برعکس، پیشرفت‌های علمی و تکنیکی تسریع‌کننده آزادسازی انسان و به عنوان مرحله‌ای تکمیلی در زمینه‌سازی بازگشت امام غایب تلقی می‌شوند» (ص ۱۴۳). آنچه در مدرنیته از نظر شیعیان محکوم است همان چیزی است که در غرب، انقلاب فردیت و تقدم وجدان بر وحی نامیده می‌شود. شیعه در مدرنیته حل نمی‌شود، زیرا مذهبی اخروی است، مذهب معتقد به روزهای پایانی برای این جهان است و از این جهت از هیچ‌یک از مراحل تاریخ او را نمی‌هراسد. تشیع به طور ملموس از درون متحول خواهد شد، همان‌طور که از بدو



و خصومتی است که تفرقه میان امت اسلامی را تسریع کند؛ نکته دوم این است که وجود اختلافات مشابه در جهان غرب نظیر اختلافات مذهبی در میان مسیحیان یا اختلافات سیاسی در میان گروه‌های سیاسی پلورالیسم و تکثرگرایی تعبیر می‌شود و نشانه

قدرت این نظام‌ها به حساب می‌آید. که ناشی از اغراض سیاسی است. به واقع اگر اختلافات مذهبی و سیاسی به خصومت بیانجامد در جهان غرب نیز ممکن است این اتفاق بیفتد.

در پایان توجه به این نکته مهم است که اگر دانشمندان و مراکز علمی جهان اسلام به شناخت خود بی‌توجه باشند، دیگران تاریخ و هویت آنها را به دلخواه خود تدوین خواهند کرد. شایسته است مراکز پژوهشی جهان اسلام و فرهیختگان مسلمان نه تنها به انجام تحقیقات میدانی برای شناسایی و معرفی جهان اسلام بپردازند، بلکه به شناسایی موقعیت سایر ساکنان کره زمین نیز بپردازند و با آگاهی از مقدرات و امکانات هر کدام، مناسبات خود را به نحو آگاهانه با آنها طراحی و اجرا کنند.

پانوشته‌ها:

۱. دکتر فرانسوا توال: ژئوپولیتیک شیعه، ترجمه دکتر علیرضا قاسم آقا، تهران، نشر امن (با همکاری مرکز مطالعات و تحقیقات اندیشه‌سازان نور) بهار ۱۳۷۹.

2. Political Geography

3. Geopolitics

۴. پیروز مجتهدزاده: ایده‌های ژئوپولیتیک و واقعیت‌های ایرانی، تهران، نشر نی، ۱۳۷۹، ص ۲۳.

۵. علاوه بر اثر مجتهدزاده نک. به: دکتر عزت‌الله عزتی: ژئوپولیتیک در قرن بیست و یکم، تهران، سمت، ۱۳۸۰.

۶. وضع شیعیان در روزی نیز در یک فصل مستقل بررسی شده بود که در این معرفی نیامد. همچنین به وضعیت شیعیان در آمریکا و اروپا نیز در کتاب اشاره شده است.

اجتماعی و دینی و از همه مهم‌تر ماهیت اعتقادات و تفاسیر دینی و مذهبی و نیز تهاجمات بیگانگان.

به لحاظ سیاسی اثر حاضر را می‌توانیم در ردیف آثاری ارزیابی کنیم که عهده‌دار حفظ و بلکه گسترش شوکت و صولت غرب بر جهان

اند. نویسنده این مقصود را به خوبی در مقدمه کتاب آورده است. به نظر نویسنده خطر شیعه برای جهان غرب از این جهت است که شیعه ادعای حکومت بر سراسر جهان را دارد و این عقیده ناشی از اعتقاد به امام غایب است. این عقیده و مدعای شیعه همان چیزی است که غرب نیز به دنبال آن است. بنابراین شیعیان برای جهان غرب خطر سازند. در حالی که اعتقاد به مهدویت و منجی موعود منحصر به شیعه نیست، بلکه تمامی مسلمانان به آن اعتقاد دارند و حتی همه ادیان به آن باور دارند. البته شیعه، منجی را به اسم و رسم معرفی کرده و معتقد است که هم‌اکنون زنده است و از این نظر با مذاهب دیگر تفاوت دارد.

علاوه بر این نویسنده به عمد سعی کرده تا بر اهداف استعمارگرانه غربی‌ها سرپوش بگذارد و جهان‌گشایی غربی‌ها را به عنوان پی‌گیری منافع ملی توجیه کند. بر همین اساس خودآگاهی سیاسی شیعیان را معلول تحقیر آنان از سوی اهل سنت دانسته است، در حالی که می‌دانیم خودآگاهی سیاسی شیعیان، بلکه تمامی مسلمانان، معلول بازگشت به اسلام و مواجهه با استعمار غرب بوده است.

در واقع تهاجم گسترده غرب به جهان اسلام بود که باعث فروپاشی امپراتوری عثمانی، تجزیه جهان اسلام و تقسیم بخشی از جهان اسلام میان قدرت‌های اروپایی شد. همچنین پس از جنگ جهانی دوم شاهد ورود آمریکا به جهان اسلام هستیم که تاکنون نیز ادامه یافته و موج وسیعی از نفرت مسلمانان (اعم از شیعه و سنی) از آمریکا به وجود آورده است.

نویسنده به انگیزه‌های سیاسی، اختلافات و شکاف‌های دینی و مذهبی را بیش از حد بزرگ جلوه می‌دهد که نشان دهنده دو نکته است: نکته اول ضربه زدن به وحدت جهان اسلام و تضعیف آن، دامن زدن به اختلافات دینی، مذهبی، قومی و هر نوع اختلاف